گزارش

دلار در نیمه دوم ۱۴۰۵؛ بازار دارد سیاست را قیمت‌گذاری می‌کند

اگر بخواهیم درباره دلار در نیمه دوم ۱۴۰۵ صحبت کنیم، قبل از هر چیز باید یک واقعیت را بپذیریم: این بازار صرفا با متغیرهای ساده حسابداری و نمودارها قابل توضیح نیست. نرخ ارز در نقطه‌ای قرار گرفته که هم‌زمان تحت فشار اقتصاد واقعی (تراز تجاری و نفت)، اقتصاد سیاسی (تصمیم‌های حاکمیتی و تحریم‌ها) و انتظارات تورمی (رفتار جامعه و بازیگران بزرگ) به پیش رانده می‌شود. بررسی نیمه اول سال ۱۴۰۵ به‌وضوح این پویایی را نشان می‌دهد. از اردیبهشت تا اواخر خرداد، بازار در پی فروکش‌کردن تنش‌های منطقه‌ای و پایان جنگ ۴۰روزه، با افتی درخور توجه از سقف ۱۸۶ هزار تومانی مواجه شد و تا محدوده ۱۵۴ هزار تومان عقب نشست. در نگاه اول به نظر می‌رسید ثبات حاکم شده است، اما این افت بیش از آنکه حاصل تعادل پایدار باشد، ناشی از تعطیلی نسبی اقتصاد، مسدودبودن ثبت سفارش‌های وارداتی و افت شدید تراکنش‌های مالی بود. با بازگشایی ثبت سفارش‌ها از اواسط مرداد و ازسرگیری مراودات تجاری، عطش واقعی بازار فوران کرد؛ به‌گونه‌ای که دلار در تیرماه رشد ۲۱درصدی و در شهریور جهش ۲۶درصدی را به ثبت رساند و این رالی صعودی در روزهای ابتدایی مهرماه نیز ادامه یافت تا جایی که در دهم مهر ۱۴۰۵، نرخ ارز در حوالی ۲۶۲ هزار تومان معامله شد. از نظر تاریخی، عمده رشد ارز در چرخه شش‌ماهه شهریور تا بهمن رخ می‌دهد، اما پرتاب زودهنگام نرخ به بالای ۲۶۰ هزار تومان در آغاز پاییز، نشان می‌دهد بازار چند ماه از تقویم سنتی خود جلوتر دویده و این شتاب، بازتاب یک شوک بنیادین است.

۱. موتور اصلی دلار در کوتاه‌مدت: نفت و تراز تجاری، نه صرفا نقدینگی

در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، هیچ متغیری به اندازه میزان فروش نفت و وضعیت تراز تجاری توان جهت‌دهی به نرخ ارز را ندارد و سرعت اثرگذاری آنها به مراتب بیشتر از متغیرهای کلانی همچون رشد نقدینگی و تورم است. آنچه در ماه‌های اخیر رخ داد، تشدید محاصره اقتصادی، محدودیت‌های گسترده در بنادر، حمل‌ونقل و بیمه بود که ماهانه بخشی از درآمدهای ارزی کشور را مسدود کرد. از منظر تحلیل فنی اقتصاد، زمانی که ورود ارز مختل می‌شود، منحنی عرضه ارز به سمت چپ منتقل شده و حالتی کاملا «عمودی» به خود می‌گیرد؛ به این معنا که بازار فاقد هرگونه کشش عرضه است. در چنین ساختاری، حتی کوچک‌ترین نوسان افزایشی در تقاضا می‌تواند قیمت را با پرتاب‌های سنگین مواجه کند. هم‌زمان، تقاضا نیز رفتاری بازخوردی پیدا کرده و به دلیل هراس از جاماندن، شکل عمودی به خود می‌گیرد. بالارفتن مداوم نرخ بدون ثبت هرگونه اصلاح قیمتی معنادار (اصلاح‌ها کمتر از سه درصد است)، حاکی از آن است که نیروهای بنیادین عدم تعادل، بسیار پرقدرت‌تر از نوسانات مقطعی روزانه عمل می‌کنند.

۲. تاکتیک کلاسیک بانک مرکزی: رهاکردن فنر و بعد ضربه سنگین

بانک مرکزی در ادوار مختلف از یک تکنیک نام‌آشنا برای مهار انتظارات استفاده کرده است: اجازه می‌دهد نرخ ارز به قدری بالا برود تا خریداران قوی و پول‌های هوشمند بازار را خالی کنند، سپس درست در نقطه‌ای که فقط خریداران خرد و احساسی در صف خرید مانده‌اند، با مداخله سنگین وارد شده و قیمت را با افت شدید مواجه می‌کند تا معامله‌گران از ریسک نگهداری دلار بترسند.

نمونه‌های روشن این تجربه در تاریخ ثبت شده است:

- در مهرماه ۱۳۹۷، نرخ دلار تا مرز ۱۹ هزار تومان رها شد و سپس با عرضه ناگهانی تا محدوده ۱۱ هزار تومان فرو ریخت.
- در هفتم اسفند ۱۴۰۱ نیز اجازه رشد نرخ تا ۶۰ هزار تومان داده شد و پس از آن با مداخله برق‌آسا، قیمت تا کانال‌های ۴۳ و ۴۴ هزار تومان اصلاح کرد.

اما تفاوت بنیادین پاییز ۱۴۰۵ با دوره‌های گذشته در این است که در آن مقاطع، دست بانک مرکزی به منابع ارزی روان و جاری بسیار بازتر بود. امروز تحت شرایط محاصره و کاهش عواید ورودی، انتظار «عرضه آبشاری اسکناس» سناریویی واقع‌بینانه نیست؛ مگر آنکه قیمت به سقفی بی‌کشش برسد یا گشایشی ناگهانی رخ دهد. واقعیت این است که در این وضعیت، تاراج و اتلاف فیزیکی ذخایر اسکناس، گزینه‌ای خطرناک برای بازارساز است و تکرار رویکردهای گذشته به‌سادگی ممکن نخواهد بود. به همین سبب، راهبرد منطقی بانک مرکزی، بهره‌گیری از ذخایر ارزشمند طلاست که در سال‌های گذشته با درایت ذخیره‌سازی شده است. انتقال ثقل مداخله به سمت ابزارهای نوین، نظیر پیش‌فروش مسکوکات، شمش و اوراق سلف موازی استاندارد طلا، ناچارا کارآمدتر از حراج بی‌پشتوانه اسکناس‌های دلار خواهد بود.

۳. اقتصاد سیاسی: دولت نمی‌تواند هم‌زمان سه هدف ناسازگار را نگه دارد

در بُعد اقتصاد سیاسی، دولت در تله «سه‌گانه ناسازگار» گرفتار آمده است؛ تلاشی فرساینده برای تحقق هم‌زمان سه هدف متضاد:

۱. ادامه مقاومت و اصرار بر مواضع در مناقشات حساس سیاست خارجی و پرونده‌های تحریمی نظیر تنگه هرمز، ۲. کنترل نرخ ارز و حفظ آرامش ظاهری بازارهای مالی و ۳. جلوگیری از فشارهای معیشتی فزاینده از طریق سرکوب دستمزد و هزینه اجاره‌بها.

با منابع محدود، پایبندی به هر سه غیرممکن است. شواهد بازار گویای آن است که دولت در هر نقطه‌ای که اهرم زور قانونی در اختیار دارد، قیمت را سرکوب می‌کند (نگه‌داشتن یا سقف اجاره ۲۵درصدی)، اما جایی که اقتصاد تابع جریان واقعی مبادلات است و زور حاکمیت به آن نمی‌رسد، بازار بی‌پروا سیاست را قیمت‌گذاری می‌کند.

به همین دلیل است که برای فعالان اقتصادی، اخبار سیاسی مربوط به محاصره حتی از گزارش‌های شرکت‌ها نیز حیاتی‌تر است. حتی انتشار آمارهایی نظیر افزایش تردد کشتی‌های تجاری غیرایرانی در تنگه، تسکینی برای دلار تهران ایجاد نمی‌کند؛ زیرا ایران نیازمند صادرات نفت خویش و دسترسی به درآمدهای آن است، نه عبور بار دیگران.

این تقابل را می‌توان در رفتار تمام بازیگران اقتصاد به‌وضوح دید:

- خانوار: پس‌اندازهای خود را به طلا، سکه و تتر تبدیل می‌کند.
- معامله‌گر: به سهام نقدشونده و ابزارهای اهرمی پناه می‌برد.
- تولیدکننده: به افزایش موجودی انبار کالا روی آورده و از فروش نسیه خودداری می‌کند.
- دولت: به انتشار اوراق، افزایش مالیات و قیمت‌گذاری دستوری در بخش‌های در دسترس متوسل می‌شود.

و نتیجه نهایی این رفتارها این است: هیچ بازیگری روی رشد واقعی تولید شرط نبسته است.

۴. انتظارات تورمی؛ شکاف تورم و نقدینگی و فشار بر پول ملی

در دیدگاه کلاسیک علم اقتصاد، تورم در بلندمدت از مدار رشد نقدینگی تبعیت می‌کند، اما امروز در وضعیتی قرار داریم که تورم انتظاری ارقام بالایی را لمس می‌کند، در حالی که رشد پولی سالانه در حوالی ۶۰ درصد ارزیابی می‌شود. این شکاف گسترده دقیقا با بنزین «انتظارات تورمی»، شعله‌ور نگه داشته شده است. در ایران از سال ۹۷ به بعد، حساسیت عمومی به ریال چنان بالا رفته که حتی دارندگان سرمایه‌های خرد در حد ۱۰ میلیون تومان نیز بی‌درنگ دارایی خود را به طلا یا ارز تبدیل می‌کنند تا ارزش پول حفظ شود؛ موضوعی که فشار شدیدی بر پول ملی وارد کرده است. بارزترین نشانه این عدم اطمینان بنیادی را در عملکرد بازیگران نهادی می‌توان رصد کرد: بانک‌های تجاری فقط در شهریور، بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار خرید ارز داشته‌اند.

گزارش شرق را در سایت شرق بخوانید

گزارش «شرق» درباره استعفای محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت که در دشوارترین شرایط تحریم نفت و جنگ رخ داد

از تراستی‌ها تا پایان یک وزیر



کیمیا نعمت‌اله: زمزمه استعفای محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت دولت چهاردهم، از پاییز سال گذشته تاکنون بارها به گوش رسید؛ اخباری که البته هرگز صورت رسمی به خود نگرفت و مدام تکذیب شد. اخبار غیررسمی دلایل متعددی را برای طرح شایعه استعفای پاک‌نژاد مطرح کردند؛ از تقابل با مدیران وقت هلدینگ خلیج فارس و دعواهای درون‌گروهی کابینه گرفته تا دلایل شخصی و ماجرای جنجال‌برانگیز تراستی‌ها و البته وضعیت فروش نفت ایران. پاک‌نژاد کابینه چهاردهم را در شرایطی بسیار دشوار تحویل گرفت؛ وضعیتی که کشور درگیر انواع ناترازی انرژی از سوخت و گاز گرفته تا ناترازی برق که یک سر آن به وزارت نفت می‌رسید و البته تحریم سخت صادرات نفت که با شروع دو جنگ در فاصله کوتاه و آغاز محاصره دریایی به وضعیت بغرنجی رسید. این در حالی بود که وزارت خزانه‌داری آمریکا روز ۱۳ مارس ۲۰۲۵ محسن پاک‌نژاد را با ادعای اینکه میلیاردها دلار نفت در اختیار نیروهای مسلح ایران قرار داده است، تحریم کرد. ماجرا به همین‌جا ختم نشد و ادعاهایی درباره فساد تراستی‌ها یا دلالان نفت بالا گرفت و بیش از پیش وزارت نفت را زیر فشار برد و سرانجام در شب یکشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۵، مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، ضمن اعلام خبر موافقت پزشکیان با استعفای محسن پاک‌نژاد گفت حمید بورد، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، به عنوان سرپرست وزارت نفت منصوب شده است.

ظهور تراستی‌ها

با نگاه به دهه ۱۳۸۰ و سال‌های حدود ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۵، وقتی اقتصاد ایران را در مقایسه با کشورهای منطقه و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی می‌بینیم، متوجه می‌شویم برخی شرکت‌های حقوقی و مالی خصوصی استفاده از واژه «تراستی» را در قالب شرکت‌های صندوق‌های سرمایه‌گذاری آغاز کردند. این مجموعه‌ها در برخی موارد به نمایندگی از مشتری، دارایی‌هایی را نگهداری یا مدیریت می‌کردند و بعضی از آنها نیز به عنوان نهاد واسط در انتشار اوراق مشارکت فعالیت داشتند. در نهایت با تشدید تحریم‌های مالی و بانکی بین‌المللی، به‌ویژه از ابتدای دهه ۱۳۹۰، کاربرد غیررسمی این ساختارها نیز افزایش پیدا کرد. برخی شرکت‌های خصوصی در خارج از کشور، ازجمله در کشورهایی مانند امارات متحده عربی، ترکیه و عمان، ساختارهایی شبیه تراست یا سازوکارهای مشابه ایجاد کردند تا فعالان اقتصادی ایرانی بتوانند بخشی از فعالیت‌های مالی و تجاری خود را به شکل غیرمستقیم انجام دهند. حالا اما مدتی است اخباری از تراستی‌های نفتی و ادعاهایی درباره فساد آنها به گوش می‌رسد تا آنجا که قوه قضائیه و مجلس هم به این دسته از خبرها واکنش نشان دادند. پس از انتشار این اخبار، ناگهان خبر استعفای وزیر نفت شنیده شد. با رسمیت‌یافتن خبر استعفای محسن پاکنژاد، بار دیگر موضوع نحوه مدیریت فروش نفت و شبکه واسطه‌های فعال در این حوزه، یعنی تراستی‌ها، مورد توجه قرار گرفت. تراستی‌هایی که برای دورزدن تحریم نفت وارد عمل شده‌اند، اما بعضا ارز نفتی را برنگردانده یا دچار فسادهای دیگری شده‌اند.

تراستی‌ها در سال‌های تحریم به یکی از اجزای مهم سازوکار فروش نفت و انتقال منابع مالی ایران تبدیل شده‌اند؛ افرادی که قرار بود بخشی از محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های بانکی و مالی را دور بزنند، اما در سال‌های اخیر درباره میزان نظارت بر عملکرد و اعتبارده‌ی به آنها و بازگشت منابع حاصل از فروش نفت، پرسش‌هایی جدی وجود داشت. چنان‌که این اتفاق پیش از این نیز رخ داده و متهم‌های نفتی و اتفاقاتی مانند گم‌شدن دکل‌های نفتی را به اذهان مردم کشور متبادر می‌کند. حال استعفای وزیر نفت این پرسش را مطرح می‌کند که سرنوشت تراستی‌ها چه خواهد شد و آیا استعفای وزیر نفت می‌تواند تغییری در نحوه فعالیت و نظارت بر این شبکه ایجاد کند؟ برای پاسخ به این پرسش، قبل از هر چیز باید تأکید کرد تراستی‌ها محصول تحریم هستند و تحریم سبب غیرشفاف‌شدن بسیاری از کانال‌های مالی می‌شود. اما باید تأکید کرد در زمینه فعالیت تراستی‌ها، ابتدا باید مسئولیت‌ها را در تمام زنجیره فروش نفت و بازگشت منابع مشخص کرد. از فروش نفت و شناسایی بازارهای مورد هدف قرارگرفته تا مذاکره با خریداران و ثبت قرارداد و پیگیری انجام تعهدات قراردادی، هریک از این مراحل متولی مشخصی دارد. به عبارتی، اینکه نفت به چه مشتری‌ای، با چه شرایطی و بر اساس چه قراردادی فروخته می‌شود، موضوعی نیست که بتوان آن را کاملا به واسطه‌ها واگذار کرد؛ یعنی از ابتدا تا انتهای ماجرا باید نظارت و شفافیت روی این فرایند وجود داشته باشد. از طرف دیگر، وقتی در شرایط تحریم قرار داریم و تراستی‌ها وارد این ماجرا می‌شوند، بخشی از عملیات مالی و انتقال منابع از مسیرهای غیرمستقیم انجام می‌شود و به همین دلیل بانک‌ها و نهادهای مالی باید بر اعتبارسنجی، سقف فعالیت، تعهدات و عملکرد افرادی که در این زنجیره قرار می‌گیرند، نظارت داشته باشند. بنابراین اگر منابعی به فردی اختصاص داده می‌شود، باید مشخص باشد این منابع بر چه مبنایی در اختیار او قرار گرفته و چه تضمین‌هایی برای بازگشت آن وجود داشته است.

کارشناسان چه می‌گویند؟

در همین زمینه حسن مرادی، کارشناس انرژی، به «شرق» توضیح می‌دهد: امروز بحث شفافیت در تمام دنیا جاری است، اما در ایران به دلیل وضع تحریم‌ها دچار یک‌سری ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی‌های اقتصادی شده‌ایم که این بی‌نظمی‌ها تاثیر زیادی بر زندگی روزمره مردم گذاشته است. ما پیش از این پرونده‌هایی مانند بابک زنجانی را داشتیم. او در مقطعی رابط فروش نفت بود و مقادیر زیادی نفت را از طریق کانال‌های خاصی که در اختیار داشت، به فروش می‌رساند. اما بعد از اینکه انتقادهایی درباره انحصار این فعالیت‌ها مطرح شد، افراد و مجموعه‌های دیگری نیز وارد این حوزه شدند و مسائل و مشکلات جدیدی به وجود آمد. به عبارتی، مسئله اصلی تراستی‌ها این است که این مجموعه‌ها به دلیل شرایط و مشکلات موجود، ارزهای درخور توجهی دریافت کرده‌اند تا کالا یا محصول وارد کنند یا ارز حاصل از فروش محصولات را دریافت کرده‌اند و نکته اصلی این است که این منابع باید در مدت‌زمان معقولی به خزانه بازگردانده شود. اما به دلیل تغییرات نرخ ارز و تورم، حتی اگر همه فرایندهای فروش آنها درست و قانونی باشد، تأخیر یک‌ماهه در بازگرداندن منابع می‌تواند سود چشمگیری برای آنها ایجاد کند. او با اشاره به ماجرای استعفای وزیر نفت می‌گوید: به همین دلیل، منتقدان دولت نسبت به این روند انتقادهایی مطرح کرده‌اند. البته این موضوع مختص دولت پزشکیان نیست و در دولت‌های گذشته نیز نمونه‌هایی از این مسائل وجود داشته است. همچنین، استعفای وزیر نفت نمی‌تواند صد درصد به موضوع تراستی‌ها مرتبط باشد و به نظر می‌رسد مسائل و مشکلات دیگری نیز وجود داشته که ممکن است بخشی از آنها به این موضوع ارتباط پیدا کند. با این حال، فارغ از اینکه وزیر نفت از این مسائل اطلاع داشته یا نداشته، باید به سمت ایجاد سامانه‌های شفاف حرکت کنیم. به عبارتی، حتی در شرایط تحریم نیز می‌توان سامانه‌های شفاف ایجاد کرد تا فرایندهای مربوط به فروش نفت، مشتقات و میعانات و حتی سایر کالاهای اساسی قابل رصد باشد و این مجموعه‌ها باید در برابر عملکرد خود پاسخ‌گو باشند.

او در ادامه می‌گوید: بی‌نظمی اقتصادی نه در وزارت نفت قابل قبول است و نه در هیچ‌جای دیگری. این وضعیت برای ملتی که در سخت‌ترین شرایط زندگی می‌کند، قابل تحمل نیست. درنهایت باید برخورد جدی با این افراد صورت بگیرد و اجازه داده نشود بی‌نظمی‌ها و منافع شخصی به هزینه مردم و بیت‌المال تمام شود. همچنین باید سودهای بادآورده‌ای که از این مسیر به دست آمده، به بیت‌المال بازگردانده شود.

در ادامه، حمید حسینی، دیگر کارشناس انرژی، با اشاره به اینکه تراستی‌ها محصول تحریم است، به «شرق» توضیح می‌دهد: تراستی‌ها از طریق شبکه‌ای که برای دورزدن تحریم‌ها شکل گرفته، معرفی و شناسایی شده‌اند و شبکه بانکی نیز برای آنها زمینه صدور ضمانت‌نامه و اعتبار را فراهم کرده است، اما در نهایت مسئولیت‌هایی متوجه وزارت نفت نیز بوده است. به عبارتی، هرکدام از این تراستی‌ها محدودیت و سقف اعتباری مشخصی داشته‌اند و وظیفه معاونت امور بین‌الملل وزارت نفت و بخش‌های مالی این وزارتخانه بوده که بر عملکرد آنها نظارت کند و در موارد لازم حساسیت نشان دهند. اگر یک تراستی تعهدات خود را انجام نداده، نباید مجدد به او اعتبار یا مسئولیت جدیدی واگذار می‌شد.

از طرف دیگر، اطلاعاتی که تاکنون منتشر شده نشان می‌دهد به برخی از این مجموعه‌ها بیش از ظرفیت و توانشان منابع واگذار شده و بخشی از پول حاصل از فروش نفت نیز هنوز به کشور بازنگشته است. درباره میزان این مطالبات ارقام متفاوتی مطرح شده؛ از حدود ۱.۱ میلیارد دلار تا ارقام بسیار بالاتری که در برخی روایت‌ها از سوی سازمان بازرسی مطرح شده است. او در ادامه با توجه به شرایط جنگی می‌گوید: در شرایط جنگی و وضعیتی که صادرات کشور با مشکلات جدی مواجه شده، بازنگشتن چنین منابعی به کشور مسئله بسیار مهمی است. این منابع می‌توانست در اختیار دولت قرار بگیرد و در تأمین نیازهای کشور مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین طبیعی است که با افرادی که به هر شکل در این موضوع نقش داشته‌اند، برخورد و عملکرد آنها بررسی شود.

از سوی دیگر، بخشی از مسئولیت این موضوع به وزارت نفت بازمی‌گردد؛ چراکه انتصاب و مدیریت بخش‌های مرتبط با امور بین‌الملل وزارت نفت در اختیار این وزارتخانه بوده است. بنابراین نمی‌توان تمام مسئولیت را متوجه بانک‌ها یا تراستی‌ها دانست. در این مسئله مجموعه‌ای از عوامل و نهادها مسئولیت داشته‌اند و بانک‌ها، تراستی‌ها و مسئولان مرتبط در وزارت نفت، هرکدام باید در قبال عملکرد خود پاسخ‌گو باشند. او با اشاره به استعفای وزیر نفت می‌گوید: درباره استعفای وزیر نفت نیز نمی‌توان با قطعیت گفت این موضوع مستقیم به مسئله تراستی‌ها مربوط است، اما نمی‌توان ارتباط میان عملکرد وزارت نفت، نحوه مدیریت این شبکه و اتفاقات اخیر را نادیده گرفت. مسئول امور بین‌الملل شرکت ملی نفت وظیفه داشته است این موارد را کنترل و بر نحوه عملکرد تراستی‌ها نظارت کند.

از طرف دیگر، در ماجرای استعفای وزیر نفت گمانه‌زنی درباره لغو قرارداد فروش نفت با هفت پالایشگاه چینی مطرح می‌شود که حسینی در این زمینه می‌گوید: ما اصولا قراردادی به این معنا نداشتیم که نفت مستقیم به این پالایشگاه‌ها فروخته شود. بخش قابل توجهی از خریداران نفت ایران، پالایشگاه‌های چینی هستند و محموله‌ها نیز در مسیرهایی مانند مالزی تحویل داده می‌شوند.

در مقطعی تلاش شد ارتباط میان این خریداران و شرکت ملی نفت مستقیم‌تر شود تا خود آنها مستقیم اقدام به خرید نفت کنند، اما این شیوه چندان دوام نیاورد. بسیاری از این شرکت‌ها، شرکت‌های بین‌المللی بزرگی نیستند و طبیعتا تمایل و توانایی محدودی برای ورود به پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل دارند. به همین دلیل معمولا ترجیح می‌دهند نفت را از طریق واسطه‌ها و سازوکارهای قبلی خریداری کنند. در واقع باید گفت تحریم سبب شده این واسطه‌گری‌ها به کشور تحمیل شوند و تراستی‌ها نیز در برخی تصمیم‌گیری‌ها نفوذ قابل توجهی پیدا کرده‌اند. به عبارتی اگر این فرایند به‌صورت کنترل‌شده، با نظارت و در چارچوب ضوابط مشخص انجام می‌شد، می‌توانست قابل قبول باشد. مشکل اینجاست که در حال حاضر کنترل و نظارت کافی بر آن وجود ندارد. در ادامه، محمدرضا پدیدار، کارشناس انرژی، درباره استعفای وزیر نفت به «شرق» می‌گوید: این استعفا پیش از این چندین بار مطرح شده بود، اما با توجه به شرایط کشور و نظر رئیس‌جمهور مورد پذیرش قرار نگرفته بود. اکنون که استعفا قطعی شده، طبیعتا باید عملکرد گذشته و تصمیماتی را که در این حوزه گرفته شده، مورد بررسی قرار داد؛ به‌ویژه اینکه شرایط و محدودیت‌های موجود باعث شده تراستی‌ها نفوذ بیشتری پیدا کنند و بتوانند شرایط را بیشتر در راستای منافع خود پیش ببرند.

در این میان، عملکرد دستگاه قضائی نیز اهمیت زیادی دارد. با توجه به برخوردهایی که با برخی تراستی‌ها انجام شده و اقداماتی که در این زمینه در حال انجام است، اگر دستگاه قضائی بتواند وظیفه و رسالت قانونی خود را به‌درستی انجام دهد و برخوردهای قانونی و مؤثری شود، می‌تواند امیدوارکننده باشد. با این حال، با توجه به شرایط موجود و میزان نفوذ این مجموعه‌ها، بعید می‌دانم در کوتاه‌مدت بتوان انتظار داشت خروجی بسیار مطلوبی حاصل شود. به هر حال، در شرایط فعلی همچنان با این مجموعه‌ها مواجه هستیم و ارتباط و نفوذ آنها نیز تا حد زیادی ادامه دارد.

او در ادامه با اشاره به لغو قرارداد فروش نفت به حدود هفت پالایشگاه چینی گفت: با توجه به مواضع و رفتارهای اخیر طرف چینی، به نظر می‌رسد این موضوع می‌تواند تحت تاثیر شرایط و تحولات اخیر قرار گرفته باشد. در نهایت باید منتظر تصمیمات بعدی و رایزنی‌های دستگاه دیپلماسی بود تا مشخص شود این موضوع به چه نتیجه‌ای خواهد رسید. به عبارتی، تصمیمات اخیر چندان خوشایند و امیدوارکننده نبوده و اخبار منتشرشده نیز این نگرانی را تقویت می‌کند، اما هنوز برای قضاوت درباره نتیجه نهایی زود است. باید دید در ادامه، طرف چینی چه تصمیمی خواهد گرفت و آیا می‌توان از طریق رایزنی و تصمیمات جدید، شرایط را به سمتی پیش برد که با منافع کشور سازگارتر باشد. از طرف دیگر، تحریم ممکن است وجود واسطه‌ها را ضروری کرده باشد، اما به معنای کنارگذاشتن نظارت و پاسخ‌گویی نیست. در چنین شرایطی که منابع کشور محدود است و فروش نفت با دشواری‌های زیادی انجام می‌شود، باید حساسیت بیشتری روی این شبکه‌ها وجود داشته باشد تا منابع کشور در معرض سوءاستفاده قرار نگیرد.

شناسه : ۲۲۹۱۸۲۱

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای
شماره SKD-0402758 (نوبت دوم)

۱- موضوع: فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره SKD-0402758 راجع به خرید تجهیزات ابزاردقیق فشار و دما (INSTRUMENT DEVICES) جهت منطقه عملیاتی خانگیران شهرستان سرخس.
۲- محل و مدت انجام کار : استان خراسان رضوی، سرخس، منطقه عملیاتی خانگیران به مدت ۶ ماه شمسی.
۳- نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت بهره برداری نفت وگازشرق- مشهد ، بلوارخیام ، بلوارشاد ، خیابان مهندس، نبش مهندس ۶ ، پلاک ۱۸.
۴- شرایط مناقصه گر :
۴-۱- دارابودن شخصیت حقوقی، کد اقتصادی و شناسه ملی.
۴-۲- داشتن توانائی مالی، تجربه، تخصص و سوابق کافی در زمینه موضوع قرارداد.
۴-۳-دارابودن تائیدیه عضویت در فهرست سازندگان/تامین کنندگان کالای وزارت نفت.
۴-۴- توانایی تهیه ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) به مبلغ ۴/۹۳۷/۰۰۲/۵۰۰ ریال و در صورت برنده شدن ارائه تضمین معتبر بانکی انجام تعهدات به میزان ۱۰ درصد مبلغ پیشنهادی.
۴-۵- درضمن ۱۵ درصد بار مالی معامله به برنده مناقصه بعنوان پیش پرداخت در قبال اخذ ضمانتنامه معتبر بانکی مورد قبول مناقصه گزار پرداخت خواهد گردید.
۵- کلیه مراحل از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.SETADIRAN.IR انجام خواهد شد. لازم است متقاضیان در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فرآیند از طریق سایت سامانه محقق سازند. شماره فراخوان ارزیابی کیفی در سامانه ستاد ایران ۲۰۰۵۰۹۲۲۵۸۰۰۰۰۲۴ می باشد.
۶- گشایش پاکت های مناقصه پس از انجام مراحل ارزیابی کیفی، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) با اطلاع رسانی قبلی انجام خواهد شد.
۷- در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر ، متقاضیان میتوانند با تلفن های ۳۳۳ و ۳۷۹۳۲۳۳۷-۰۵۱ تماس حاصل نمایند. ضمناً آگهی فوق در سایت WWW.SHANA.IR و WWW.ICOFC.IR و WWW.EOGPC.IR درج میباشد.

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز شرق

سازمان غذا و دارو

آگهی تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) دو مرحله ای
جهت خرید، حمل و نصب میز و صندلی های ساختمان مرکزی سازمان غذا ودارو (نوبت اول)

سازمان غذا و دارو به نشانی تهران - خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - جنب خیابان وحید نظری در نظر دارد **مناقصهٔ عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) دو مرحله ای جهت " خرید، حمل و نصب میز و صندلی های ساختمان مرکزی سازمان غذا و دارو "** به شمارهٔ ۲۰۰۵۰۰۴۲۶۶۰۰۰۱۲۶ را از طریق سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید. کلیهٔ مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائهٔ پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

- **تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) :** ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۴
- **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):** تا ساعت ۱۹:۰۰ عصر روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹
- **مهلت زمانی ارائهٔ پیشنهادات از طریق سامانهٔ تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):** تا ساعت ۱۹:۰۰ عصر روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۳
- **مکان بازگشایی پاکت ها :** سالن کنفرانس طبقهٔ پنجم ساختمان شمارهٔ ۵ به آدرس تهران- خیابان توحید - نبش نیایش شرقی - جنب بانک ملی - ساختمان معاونت توسعهٔ مدیریت و منابع سازمان غذا و دارو
- **شمارهٔ تماس جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه :** ۶۶۴۲۷۹۲۷ داخلی ۲۰۶
- **اطلاعات تماس سامانهٔ ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :** ۴۱۹۳۴-۰۲۱
- **دفتر ثبت نام :** ۸۸۹۶۹۷۳۷-۰۲۱

سازمان در رد یا قبول پیشنهادات مختار بوده و به پیشنهادهای مشروط و یا مخدوش ترتیب اثر داده نخواهد شد .متقاضیان برای ثبت نام در پایگاه ملی مناقصات لازم است به آدرس اینترنتی آن پایگاه به نشانی (http://iets.mporg.ir) مراجعه نمایند.

شناسه آگهی ۲۲۹۳۶۳۳ م الف ۲۲۴۳